

گفت و گویا «ابراهیم شفیعی»، نویسنده و کارگردان فیلم «حرف

## سینمای مستقل

مریم شفیعی محمدی  
گفت و گو

«ابراهیم شفیعی» سال‌ها در پشت صحنه سینما، به عنوان دستیار کارگردان و برنامه‌ریز فعالیت داشته و اهالی سینما او را می‌شناسند. وی بیش از ۴۰ فیلم کوتاه ساخته و در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی شرکت کرده است. «ابراهیم شفیعی» در نخستین ساخته بلند خود، به موضوع اعدام پرداخته است.

خب‌نگار صبا، به بهانه اکران این فیلم، در گروه هنر و تجربه، با این کارگردان جوان که نگارش فیلم‌نامه اولین تجربه بلند سینمایی‌اش را نیز بر عهده داشته، هم‌کلام شده است.

و این انتخاب‌ها در تیم کارگردانی خیلی سخت است. شاید بازیگری فیلم‌نامه را بخواند و خوشش بیاید و به لحاظ دست‌مزد هم راه بیاید. اما به لحاظ زمانی نمی‌تواند وقت بگذارد. مثلاً برای یکی از نقش‌های فیلم، بازیگر خیلی خوبی بعد از مطالعه فیلم‌نامه موافقت کرد که بازی کند ولی تقاضا داشت فیلم‌برداری را طوری برنامه‌ریزی کنیم تا با کار دیگری که هم زمان مشغول انجام آن بود، تداخل نداشته باشد و هر چه برنامه‌ریزی کردیم دیدیم نمی‌تولیم در خدمت او باشیم. درباره «شب‌نم قلی‌خانی» هم این نکته را بگویم که هر فردی با او کار کند سراغ بازیگر دیگری نمی‌رود. او بسیار انسان با اخلاق و همراهی حرفه‌ای و وجودش در کار یک نعمت است. خیلی خوش‌شانس بودم که «تربافاسمی»، «ایوب آفاخانی»، «شب‌نم قلی‌خانی» و «علیرضا استادی» در فیلم‌ام بازی کرده‌اند.

## وضعیت اکران فیلم در هنر و تجربه چگونه است؟

قبل از کرونا، اوج اکران هنر و تجربه را شاهد بوده‌ایم. فکر می‌کنم هنر و تجربه جدید دولتی است اما هنر و تجربه چند سال پیش خصوصی بود و سلن‌ها و سلس‌های بیشتری داشت. آن‌چه که اکنون در سینماهای بینم این است که هنر و تجربه گذشته خیلی بهتر از حالا بود و دایره تبلیغات و اکران سینماها نیز بیشتر بود. هنر و تجربه جدید که فکر می‌کنم چند ماهی است راه افتاده است، هنوز جان‌گرفته و خیلی جای کار دارد. در این شرایط خدا را باید شکر کرد که فیلم اکران می‌شود چون کار دیگری نمی‌توان انجام داد. وقتی شما فیلم‌تان را پیش‌پخش کننده می‌برید برای ایش اصلاً داستان اهمیت ندارد و سؤال اولش این است که چه کسانی بازی کرده‌اند؟ پخش کننده‌ها دنبال ستاره هستند نه هنرمند. ما در فیلم‌مان ستاره

## پس به دلیل هزینه کم و دغدغه ذهنی‌تان سراغ این سوژه رفته‌اید؟

به نظر من سوژه جذاب بود. ما ۲ سال پیش فیلم را ساخته‌ایم و یک سال هم برای نگارش فیلم‌نامه زمان گذاشته‌ایم. در آن مقطع حرف اعدام را می‌زدیم و اکنون مردم به این نتیجه رسیده‌اند و هشستک می‌زنند که اعدام نکنید. حرف ما در آن مقطع این بود که اگر خیلی از پرونده‌ها به شکل جزئی‌تر بررسی شود به اعدام نمی‌انجامد و می‌تواند رفتی وجود داشته باشد تا جاوی اعدام گرفته شود.

## از بازیگرانی چون «تربافاسمی»، «ایوب آفاخانی» و «شب‌نم قلی‌خانی» در فیلم‌تان استفاده کرده‌اید که بازیگران حرفه‌ای و کاربلدی هستند. انتخاب‌ها بر چه اساسی بود؟

زمانی تئاتر، جایگاه خوبی برای انتخاب بازیگر، کارگردان و رشد کردن بود اما الان دیگر آن اتفاق نمی‌افتد و جایگاه سابق را ندارد. «ایوب آفاخانی» از بازیگران قدیمی تئاتر و جزو ۵ تئاتری درجه یک مملکت است. بازی او برایم جذاب بود. به دلایلی نمی‌شد سراغ بازیگران دیگر رفت. مثلاً بازیگری دست‌مزد بالایی تقاضا می‌کند و شما مطمئن هستی در فروش نصف دست‌مزدش را هم نمی‌تواند برگرداند. بنابراین از همان دور سوپرستاره‌ها را خط کشیدیم. برای انتخاب بازیگر چالش‌های خیلی زیادی در پیش تولید داشتیم. برای نقش آوای قصه به دنبال چهره‌های معصوم، مظلوم و دوست‌داشتنی بودیم که در نهایت «شب‌نم قلی‌خانی» را انتخاب کردیم. متأسفانه در تمام رده‌های سنی کمبود بازیگر داریم؛ مثلاً بازیگر بین ۴۰ تا ۵۰ ساله، نهایتاً ۵، ۶ نفر داریم. عملاً دایره انتخاب در چند سال اخیر محدود شده است و نتوانسته‌ایم بازیگر جدیدی را معرفی کنیم

## چه شد در این شرایط با اکران «حرف آخر» موافقت کردید؟

شرایط زیاد مناسب نیست و این فیلم در سینماهای معدودی اکران شده و تبلیغات زیادی هم برای آن نمی‌شود، ولی مجبور به اکران بودیم.

## کلید اولیه «حرف آخر» چطور زده شد و چرا آن را به عنوان نخستین ساخته‌تان انتخاب کرده‌اید؟

قبل از این فیلم‌نامه‌های زیادی نوشته بودم که متأسفانه هزینه زیادی برای ساخت می‌خواست.

معمولاً فیلم اولی‌ها ابتدا سراغ سوژه می‌روند، یعنی فیلم‌نامه‌هایی که پروداکشن عظیمی نداشته باشند تا بتوانند با هزینه کم آن‌ها را جمع کنند. مقطعی برای شهادت پرونده‌ای به دادگاه مراجعه می‌کردم و با قضات زیادی در ارتباط بودم. آن‌چه که مطرح است رفتار ناشایست بیشتر قضات با ارباب رجوع بود.

همین موضوع بهانه‌ای شد تا فیلم‌نامه‌ای کوتاه بنویسم که قاضی قصه رفتار درستی دارد و با هزینه کم فیلم ارزانی را ساختم. در این خصوص با قضات زیادی مشورت کردم و این‌گونه فیلم‌نامه حرف آخر، شکل گرفت.

آن‌چه که در داستان بر این اهمیت داشت این بود که یک قاضی می‌تواند با یک امضا یک فرد را از روی کره زمین حذف کند اما خودش در داستان مانعی نتواند بچه‌دار شود. این نقطه عطف داستان ما بود که این قاضی به خدا شکایت می‌کند که من می‌تولم یک نفر را با یک امضا از بین ببرم اما نمی‌توانم یک نفر را به وجود بیاورم. این قاضی برای اولین بار حکم اعدام می‌دهد اما دچار تردید می‌شود و شخصاً به دنبال اسناد و مدارک می‌رود که وجود دارد.